

مجلة الجمعية الإيرانية للغة العربية وآدابها، فصلية
علمية محكمة، العدد الـ ٧٣، شتاء ١٤٠٣ هـ. ش،
٢٠٢٥ م؛ صص ١٤١-١٤٥.

Reading Nihilism and Ways to Deal with It in the Novels "Zahr al Laymun and Other Stories" and "Telk al- Raeha " Based on Irvin Yalom's Existential Psychotherapy Approach

Article Type: Research

Masoud Salmani Haghighi¹, Abbas Ganjali^{2*},

Seyyed Mahdi Nouri Keyzoqani³

Abstract

Absurdity as one of the philosophical and psychological problems is based on the negation and transformation of all values and meanings. People with emptiness and hopelessness are often lonely and find their lives over. The term emptiness in the field of psychology and psychoanalysis has been proposed by Irvin Yalom as one of the four ultimate concerns. In addition to defining and explaining emptiness, Yalom has considered solutions for it, including willingness, responsibility, hedonism, love, sacrifice, altruism, commitment, self-actualization, and communication with the therapist. In this article, the component of emptiness and the methods of defense against it in two novels, "Zahr al Laymun and Other Stories " by Alaa Al-Dib's and "Telk al-Raeha" by Sonallah Ibrahim, have been investigated based on the method and approach of Irvin Yalom. The result of the research shows that both writers, with knowledge of this component and being

¹. Ph.D. student in Arabic Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Faculty of Theology and Islamic Studies, Iran, Sabzevar; orcid.org/0000-0003-3898-5987.

². Corresponding author, Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Faculty of Theology and Islamic Studies, Iran, Sabzevar.; orcid.org/0009-0007-1978-9426

Email: a.ganjali@hsu.ac.ir

³. Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Faculty of Theology and Islamic Studies, Iran, Sabzevar; orcid.org/0000-0001-7867-4898.

influenced by activists and writers in the field of philosophy and psychology such as Camus and Sartre, have crystallized nothingism in the concept and theme of the two novels, but in terms of the degree of success, it should be said that Alaa Al-Dib's view in revealing emptiness and methods of coping with it refers to the theory of psychodynamic therapy.

Keywords: Existential psychotherapy, emptiness, "Zahr al Laymun and Other Stories ", "Telk al-Raeha", Yalom.

1. Introduction

One of the concepts and themes of literary texts, especially novels, is nihilistic thoughts and thoughts, which are manifested in forms such as death, despair, sadness, and loneliness. Emptiness is one of the threatening factors and is the opposite of hope. It is quite certain that when a person commits suicide in a crisis and deadlock caused by a feeling of emptiness, he has reached a kind of emptiness and despair that has no hope of survival, of course, this is not always the case, and in most cases, emptiness is the guide for a person to achieve a kind of happiness (Kushki and others., 2020: 164). The purpose of this article is to examine the two selected novels in the light of Irvin Yalom's theory of psychodynamic therapy in order to reveal the themes and content of these two novels in the context of psychoanalytic criticism to the audience. The reason for choosing these two novels is the existence of numerous streaks of absurdity in them based on the thought of the two authors, which has provided the basis for analysis and study.

Research Question(s)

- _How can we evaluate the expression of nihilism in the two chosen novels?
- _To what extent have the two authors been able to show the paradigm of absurdity and the methods of dealing with it in their works?

2. Literature Review

Nihilism or Absurdity is another encounter in the universe that has been proposed by Yalom in the theory of psychodynamic therapy. In this type of thinking, life, people, objects, concepts, meanings, and the world, etc. are called absurd and meaningless by the person or persons. Yalom believes that "emptiness is created by the lack of meaning in a world that is inherently meaningless: we are meaningless beings who have to deal with the trouble of being thrown into a world that is itself meaningless" (Yalom, 2010: 21)

3. Methodology

In this study, using a descriptive-analytical method, a comparative study of the theme of nihilism and its treatment methods has been conducted on two novels, "Zahr al Laymun and Other Stories" and "Telk al-Raeha" based on Irvin Yalom's theory of existential psychotherapy.

4. Results

By examining the two selected novels, it was found that nihilism has been manifested in its components. Nihilism in these two novels is presented in the form of elements such as confusion and bewilderment, failure in individual and joint life, going back to the past, the death of loved ones and those around them, etc. It expresses the emptiness of the two novels.

It can be said that both writers, knowing this component and being influenced by activists and writers in the field of philosophy and psychology such as Camus and Sartre, have crystallized nothingism in the concept and theme of the two novels. However, in terms of the degree of success, it should be said that Alaa Al-Dib's view in revealing emptiness and the methods of coping with it has been closer and more comprehensive to Yalom's theory of psychodynamic therapy, because this component and its treatment methods are more visible in his novel, which can be due to the author's awareness of the existential psychotherapy approach.

Nihilism has also been manifested in the way of narration and the type of use of words and colors, and the authors have shown this component in their stories by using words and colors that represent the meaning of emptiness, despair, and destruction, and in this way, they have provided the ground for understanding and understanding the main theme and content in the two novels, especially its characters.

It should also be said that among the methods determined to overcome the crisis of emptiness, techniques such as wanting, responsibility, sacrifice, and love and love were found in the two novels. Therefore, achieving solutions for the treatment of emptiness in a space other than the therapeutic environment and in the context of a literary-psychological resource can be helpful, useful, and attractive.

خوانش هیچ انگاری و روش‌های مقابله با آن در رمان‌های «زهر الیّمون وقصص أخرى» و «تلك الرائحة» بر مبنای رویکرد روان درمانی وجودی اروین یالوم

نوع مقاله: پژوهشی

مسعود سلمانی حقیقی^۱، عباس گنجعلی^۲، سید مهدی نوری کیزقانی^۳

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه حکیم سبزواری، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، ایران، سبزواری
۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه حکیم سبزواری، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، ایران، سبزواری
۳. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه حکیم سبزواری، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، ایران، سبزواری

تاریخ دریافت: ۱۶/۱۰/۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۰۲/۰۴/۱۴۰۳

چکیده

پوچی به عنوان یکی از مسائل فلسفی و روانی مبتنی بر نفی و دگرگون سازی تمامی ارزش‌ها و معناهاست. افراد مبتلا به پوچی و ناامیدی اغلب تنها بوده و زندگی خود را پایان یافته می‌بینند. اصطلاح پوچی در حوزه روانشناسی و روانکاوی به عنوان یکی از دلواپسی‌های چهارگانه غایی از سوی اروین یالوم مطرح شده است. یالوم علاوه بر تعریف و تبیین پوچی برای آن راهکارهایی در نظر گرفته است که می‌توان به خواستن، مسئولیت‌پذیری، لذت‌گرایی، عشق، فداکاری، نوع دوستی، تعهد، خودشکوفایی و ارتباط با درمانگر نیز اشاره کرد. در این جستار مؤلفه پوچی و شگردهای دفاع در برابر آن در دو رمان «زهر الیّمون وقصص أخرى» علاء الدیب و «تلك الرائحة» صنع الله ابراهیم با تکیه بر روش و رویکرد اروین یالوم بررسی شده است. برآیند پژوهش نشان می‌دهد که هر دو نویسنده با اطلاع از این مؤلفه و تأثیرپذیری از فعالان و نویسندگان حوزه فلسفه و روان‌شناسی نظیر کامو و سارتر، هیچ انگاری را در مفهوم و درون‌مایه دو رمان متبلور ساخته‌اند؛ اما از حیث میزان موفقیت باید گفت دیدگاه علاء الدیب در نمایان ساختن پوچی و روش‌های مقابله با آن به نظریه روان پویه درمانی یالوم نزدیک‌تر و جامع‌تر بوده است؛ چرا این مؤلفه و روش‌های درمان آن در رمان او بیشتر به چشم می‌خورد که این امر می‌تواند ناشی از آگاهی نویسنده از رویکرد روان درمانی وجودی باشد.

کلید واژه‌ها: روان درمانی وجودی، پوچی، «زهر الیّمون وقصص أخرى»، «تلك الرائحة»، یالوم.

۱. مقدمه

یکی از مفاهیم و مضامین متون ادبی به خصوص رمان، افکار و اندیشه‌های پوچ‌گرایی است که در قالب‌هایی چون مرگ اندیشی، ناامیدی، غم و غصه و تنهایی متجلی است. پوچی از عوامل تهدید زاست و نقطه مقابل امید است. کاملاً مسلّم است وقتی انسان در بحران و بن بست ناشی از احساس پوچی، گاه اقدام به خودکشی می‌کند به نوعی پوچی و ناامیدی رسیده است که امیدی برای زنده ماندن ندارد؛ البته همیشه این طور نیست و در بیشتر مواقع، پوچی راهنمای انسان برای رسیدن به نوعی سعادت است (کوشکی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۶۴). کامو معتقد است: «هنگامی که آدمی به پوچی پی می‌برد درصدد نگارش آیین خوشبختی برمی‌آید. بهروزی و پوچی را نمی‌توان از هم جدا کرد. اگر بگوییم سعادت مولود کشف پوچی است اشتباه کرده‌ایم؛ زیرا گاهی احساس پوچی زائیده خوشبختی است» (کامو، ۱۳۴۹: ۷۰).

تفکر نیهیلیسم یا پوچی یکی دیگر از مواجهاات عالم هستی است که از سوی یالوم در نظریه روان پویه درمانی مطرح شده است. در این نوع تفکر، زندگی، افراد، اشیاء، مفاهیم، معانی و دنیا و... از سوی فرد یا افراد، پوچ و بی‌معنا خوانده می‌شوند. یالوم معتقد است «پوچی با فقدان معنای زندگی در جهانی که در ذات خود بی‌معناست ایجاد می‌شود: ما موجوداتی در جست و جوی معنا هستیم که باید با دردسر پرتاپ شدن به درون دنیایی که خود ذاتاً بی‌معناست، کنار بیاییم» (یالوم، ۱۳۸۹: ۲۱). هدف این جستار بررسی دو رمان انتخابی در پرتوی نظریه روان پویه درمانی اروین یالوم است تا از این طریق مضامین و محتوای نهفته در دو رمان مزبور در بستر نقد روانکاوی برای مخاطب نمایان گردد. علت انتخاب دو رمان مذکور، وجود رگه‌های بی‌شمار پوچی در آن بر اساس نحله فکری دو نویسنده می‌باشد که همین امر بستر را برای تحلیل و بررسی فراهم آورده است.

۱-۱ سؤالات پژوهش

– نمود پوچ‌گرایی در دو رمان انتخابی را چگونه می‌توان ارزیابی نمود؟
– دو نویسنده تا چه اندازه توانسته‌اند پارادایم پوچی و روش‌های مقابله با آن را در آثار خود
نمایان سازند؟

۱-۲. پیشینه پژوهش

تاکنون هیچ پژوهشی پارادایم پوچی و شگردهای درمان آن را در دو رمان «زهر الیمون وقصص
آخری» و «تلك الرائحة» براساس نظریه روان‌پویه درمانی اروین دیوید یالوم مورد نقد و بررسی
قرار نداده است که این امر در نوع خود یک نوآوری به شمار می‌رود. در ادامه به برخی از
پژوهش‌های مرتبط با موضوع بحث اشاره می‌شود:

– مقاله «خوانش اگزیستانسیالیستی رمان «ستاره‌ی آگوست» اثر صنع الله ابراهیم»، نوشته‌ی افضل‌ی
و اعرجی (۱۳۹۴)، چاپ شده در مجله ادب عربی، رمان مذکور را در سایه رویکرد فکری
اگزیستانسیال مورد بررسی قرار داده است. برآیند پژوهش نشان می‌دهد نگارنده این داستان که
خود شاهد دهشت‌ها و محنت‌های ناشی از خردگرایی محض و فرو پاشیدن مبانی انسانیت بوده
است، می‌کوشد رمانی بیافریند که هر چند اقتداری در شخصیت داستان نیافریده و هویتی کامل
و یکدست از او منتقل نمی‌کند؛ اما در بطن خود برای فعلیت و فاعلیت انسان ارزش قائل می‌شود.
– مقاله «بررسی تطبیقی پوچ‌گرایی در آثار ساموئل بکت و صادق هدایت با تأکید بر رمان‌های
مالون می‌میرد و بوف کور»، نوشته‌ی کوشکی و دیگران (۱۳۹۹)، چاپ شده در دو فصلنامه زبان
و ادب فارسی، به بررسی تطبیقی پوچی در دو آثار انتخابی از بکت و هدایت پرداخته‌اند. برآیند
پژوهش نشان می‌دهد که این دو نویسنده از لحاظ فکری علاوه بر شباهت‌های زیاد فکری،
تفاوت‌هایی نیز با هم دارند؛ هر دو به تاثیر از مکتب سورئالیستی، محاکات را از عالم بیرون به
عالم درون برده و با استفاده از افکار و خیالات خود، جهان را پوچ و یاس‌آلود نشان می‌دهند، با
این تفاوت که عقاید و نظریات بکت در این داستان بیشتر به «پوچ‌گرایی فلسفی» و عقاید هدایت
به آراء و نظریات «نیهیلیست‌ها» نزدیک است.

– مقاله «بررسی و تحلیل مؤلفه‌های رمانتیسیم سیاه در داستان «تلك الرائحة» از صنع الله ابراهیم»،
نوشته‌ی نجفی حاجیور (۱۴۰۰)، چاپ شده در مجله نقد ادب معاصر عربی، مؤلفه‌های رمانتیسیم
سیاه، جلوه‌ها و نشانه‌های این جریان ادبی را در داستان «تلك الرائحة» ردیابی و تحلیل کرده است
نتایج به دست آمده در این پژوهش حاکی از آن است که در این داستان، گرایش به رمانتیسیم سیاه

خوانش هیچ انگاری و روش‌های مقابله با آن در رمان‌های «زهر الیمون و...» عباس گنجعلی^۲،...

از نوع هیجان‌مداری و احساس‌گرایی صرف نیست، بلکه با نگرشی دیالکتیکی و ارگانیک، تمام اجزاء، ساختار داستان و عناصر داستانی را دربر گرفته و از لحاظ مفهومی و محتوایی نیز، نشان‌دهنده تنهایی، انزوا، ابهام، پوچ‌گرایی، مرگاندیشی، روابط جنسی نامشروع و ناهنجار، توصیفات اروتیک، استفاده مکرر از افیون و مواد مخدر خصوصاً سیگار و دیگر مشخصه‌های بارزِ رمانتیسم سیاه است.

— مقاله «مطالعه تطبیقی پوچی و شی‌وارگی در دو رمان بیگانه اثر آلبر کامو و بوف کور اثر صادق هدایت»، نوشته سجادی و سجادی (۱۴۰۰)، به بررسی و مطالعه تطبیقی مفهوم پوچی و شی‌وارگی در دو اثر بیگانه آلبر کامو و بوف کور صادق هدایت پرداخته‌اند. نگارندگان در این تحقیق به این نتیجه می‌رسند که اگرچه رمان بوف کور صادق هدایت اثری قابل توجه است اما نمی‌توان آن را یک اثر پوچ‌گرایانه قلمداد کرد و بیشتر می‌توان آن را اثری در وضعیت شی‌وارگی تحلیل و بررسی کرد. این در حالی است که اثر بیگانه آلبر کامو را می‌توان نمونه‌ی کامل یک اثر پوچ‌گرایانه معرفی کرد. به نظر می‌رسد معمولاً خوانندگان و حتی منتقدان بین مفهوم پوچی و شی‌وارگی دچار سوء تعبیر و اشتباه می‌شوند. هر قدر که پوچی مفهومی ایجابی و دارای کنش فعال و بینش روشن در گفتگو با دیگر آثار و تفکرات است، شی‌وارگی مفهومی جبری، سلبی و فاقد بینش و کنش مشخص با دیگر تفکرات و موضوعات است.

۱-۳. اهمیت و ضرورت پژوهش

انواع متون به خصوص متون ادبی را می‌توان در بستر مطالعات میان رشته‌ای به صورت عام و مطالعه روانشناختی و روانکاوی به صورت خاص در کشف معنایی و محتوای موجود در آن مورد تحلیل و بررسی قرار داد. واکاوی متون ادبی بر اساس نظریات نوین روانکاوی و دست‌یابی به راهکارهای درمان مربوط به حوزه‌های روانی از درون آن از اهمیت و ضرورت بالایی برخوردار است. بنابراین نگارش چنین مقاله‌ای می‌تواند برای پژوهشگران، ادیبان و علاقه‌مندان سودمند باشد.

٢. معرفی نویسندگان دو رمان

علاء الدین حب الله الادیب و داستان سرای مصری معاصر است که در سال ۱۹۳۹م در قاهره متولد شد. از جمله آثار او در زمینه رمان و داستان می‌توان به «زهر الیومون»، اطفال بلادموع، قمر علی المستنقع، عیون البنفسج، أيام وردیة، القاهرة، صباح الجمعة، المسافر الأبدی، الشیخة و الحصان الأجوف» اشاره کرد. رمان «زهر الیومون و قصص أخرى» «منعکس کنندۀ رنج و درد نسلی از دهه پنجاه و شصت مصر است که مصیبت بیگانگی و شکست را می‌گذراند. مصیبتی که به جنگ‌ها و شکست‌های مقطعی مصر برمی‌گردد. یکی از این جنگ‌ها جنگی بود که برای بازپس‌گیری سرزمین‌های از دست رفته مصر به وقوع پیوست و مردم آن زمان را با بیگانگی و شکست مواجه نمود. صنع الله ابراهیم از داستان‌نویسان به نام مصر است. او در ۱۹۳۷م در قاهره متولد شد و در سال‌های ۱۹۵۹م تا ۱۹۶۴م به علت فعالیت در احزاب کمونیستی به زندان افتاد. نخستین رمان او با عنوان «تلك الرائحة»، توصیف وضعیت مردی است که تازه از زندان آزاد شده و می‌کوشد موقعیت خود را در محیط جدیدی که با آن بیگانه شده بازسازد.

٣. خلاصه دو رمان

رمان «زهر الیومون و قصص أخرى» در بردارنده ۴ داستان با عنوان‌های «الشیخة، القاهرة، الحصان الأجوف و زهر الیومون» است.

زهر الیومون: عبدالخالق پس از گذراندن تجربه زندان نظامی، به واسطه دوست قدیمی‌اش، احمد صالح که با مسئول بلند پایه‌ای در وزارت فرهنگ مرتبط است، در قصر فرهنگ شهر سوئز اشتغال می‌یابد. او در سوئز در اتاقی بر بام خانه‌ای قدیمی سکونت می‌گزیند و برای ساکنان آنجا از گذشته و اکنونش می‌گوید، گذشته‌ای با خاطرات دردناکش و اکنونی که ناامیدی، ناکامی و تباهی آن را فرا گرفته است. ناکامی و یأس شخصی او بخاطر آن است که منا، همسر مسیحی‌اش که علیرغم تفاوت دین از سر دلدادگی با وی ازدواج کرد، رهایش می‌کند و چندی بعد همراه برادرش عازم کانادا می‌شود تا آنجا زندگی کند. ولی سرخوردگی و ناکامی اجتماعی بر او بر اثر آن است که هر نوع بارقه امید در احیای خواسته‌ها و انتظاراتش را از دست می‌دهد. به همین سبب او تنها و غریب در اتاقی بر بام خانه محقری واقع در شهر سوئز سکونت دارد و زندگی برایش یکنواخت و ملال آور است.

خوانش هیچ انگاری و روش‌های مقابله با آن در رمان‌های «زهر الیمون و...» عباس گنجعلی^۲،...

پس از این سفر غم انگیز تنها چیزی که می‌توان آن را با عبدالخالق مقایسه کرد، درخت لیمویی است که در پشت خانه یک طبقه آنها قرار دارد و بیشتر اوقات سبز و شکوفا بود. این درخت پس از رفتن ام رضا که از آن مراقبت می‌کرد، دچار پژمردگی شد. عبدالخالق برادری به نام سعید نیز دارد که به دلیل شرایط کاری مجبور به مهاجرت به امارات می‌شود و پس از مدتی به مصر بازمی‌گردد تا با خانواده خود دیدار کند. همچنین مادر مفلوجش وضعیتی اسفبار دارد و دوستش احمد صالح دچار ناراحتی قلبی می‌شود، در قهوه خانه همه از رو بر می‌گردانند. دیگر کسی او را نمی‌شناسد و به او نیازی ندارد، دیگر ضرورتی به بودنش نه در اینجا و نه در هیچ جای دیگر نیست. او بر روی زمین افتاده و روزهایش از دست رفته است، همان طور که شکوفه‌های لیمو بی رنگ و بو بر روی زمین می‌ریزند. او در سوئز بر روی تختش دراز می‌کشد در حالی که دستانش را بر زیر سرش می‌گذارد و چشمانش خیره به سقف می‌شود و منتظر به جوش آمدن آب می‌ماند تا چای دم کند. رمان درحالی به پایان می‌رسد که عبدالخالق از آخرین سفرش به قاهره بازگشته و نشانه‌های مرگ و تباهی از هر سو او را فرا گرفته است (سکوت، ۱۳۹۶: ۹۸-۹۷).

الشَّيخَة: این داستان پیرامون روستایی است که نشانه‌های زندگی در آن محو شده و مردمانش دچار پوچی و ناامیدی شده‌اند. پس از مدتی فردی به نام «شیخه» وارد روستا شده و در آنجا شور و نشاط خاصی ایجاد می‌کند. مردم برای حل مشکلات خود به اتاق کار مخصوص او مراجعه می‌کردند. مدتی می‌گذرد تا اینکه فردی غریبه به نام منسی وارد آن روستا می‌شود. منسی کم کم شیفته شیخه می‌گردد و با او ازدواج می‌کند. در روستا فردی به نام جاد نیز زندگی می‌کند که از بیماری صرع رنج می‌برد. منسی، جاد را به دلیل رفتارهای آزار دهنده از جمله تبلیغ علیه شیخه دنبال می‌کند و در نهایت با ضربه عصا او را می‌کشد. داستان در حالی به پایان می‌رسد که شیخه از کشته شدن جاد، هراسان می‌شود و یک روز پس از بازگشت از محل کار، در منزل خود از دنیا می‌رود.

القاهرة: القاهرة داستان فردی است به نام فتحی که با فردی به نام عقيله آشنا می‌شود. عقيله یک زن ٣٠ ساله بدکاره و هوسرانی است که به دلیل بد رفتاری و حرف‌های زننده شوهرش با فتحی وارد رابطه می‌شود. با گذشت چند سال و با پیر شدن عقيله، فتحی به فکر جدا شدن از او و آزادی خود می‌افتد. او برای مدتی کوتاه از عقيله فاصله می‌گیرد و این موضوع باعث می‌گردد تا عقيله مدام در خیالات خود به او فکر کند. فتحی نیز در این برهه به دلیل اتفاقات پیرامونش دچار پوچی و تباهی می‌شود. او بالاخره با عقيله ازدواج می‌کند. فتحی، عقيله را زمانی که در داخل اتاق بر روی تخت دراز کشیده، به آغوش می‌کشد و سپس او را خفه کرده و به قتل می‌رساند.

الحصان الأجو ف: «الحصان الأجو ف» داستان فردی را روایت می‌کند که به همراه دوست خود به نام انور در یک آپارتمان در قاهره سکونت دارند. او با دوست خود در یک ساعت معین در میدان تحریر قرار می‌گذارد و ساعت‌ها منتظرش می‌ماند اما از او خبری نمی‌شود و به محل اقامت خود باز می‌گردد. پس از گذشت مدت زمانی دوستش می‌آید و با او اتفاقات گذشته را مرور می‌کند. فردای آن روز به سمت روستای خود می‌رود و در آنجا با دوستان و خانواده خود دیدار می‌کند. پس از دیدار با پدر و مادر خود، تصمیم می‌گیرد به مصر باز گردد. در اتوبوس با فردی به نام فتینه آشنا می‌شود که این امر منجر به ازدواج با او می‌گردد. در کنار بیمارستان محل سکونت آنها، یک خانه قدیمی وجود دارد که فردی آشنا به نام زینب در آن زندگی می‌کند و شخصیت اصلی داستان کم کم حرکات او را زیر نظر می‌گیرد تا این که شیفته او می‌شود. پس از گذشت مدت زمانی متوجه نبود زینب شده و همچون یک اسب تو خالی در خیابان‌های قاهره پرسه می‌زند و احساس تنهایی و پوچی به شخصیت اصلی داستان دست می‌دهد. به طرف قهوه خانه می‌رود و تمام اتفاقات را پیش خودش مرور می‌کند.

تلك الرائحة: رمان «تلك الرائحة» دربردارنده ٥ داستان دیگر با عنوان‌های «الثعبان، أرسین لوبین، بعد الظهر عبر ثلاثة أسرة، أغاني المساء وأبيض وأزرق» می‌باشد. این رمان درباره شخصیتی است که از درگیری‌های درونی و روانی رنج می‌برد. این رمان با آزاد شدن قهرمان بی‌نام و نشان آغاز می‌شود. این قهرمان با حضور یک مأمور در برابر خود مواجه می‌شود که از می‌پرسد آدرسات چیست؟ قهرمان داستان نیز در پاسخ به او می‌گوید آدرس و نشانه‌ای ندارم. مأمور نیز با تعجب

از او می‌پرسد: پس به کجا می‌روی یا کجا اقامت داری؟ او هم در پاسخ می‌گوید: نمی‌دانم. من کسی را ندارم. مأمور نیز به او می‌گوید من هم نمی‌توانم تو را به همین سادگی رها کنم. به همین خاطر به منظور شناسایی محل اقامتت باید هر شب به نزد تو بیاییم. پس یک سرباز با تو همراه می‌شود. قهرمان داستان به همراه سرباز زندان در خیابان راه می‌افتند. این لحظات همان لحظاتی است که او دائما در طول سال‌های گذشته خوابش را می‌دید.

قهرمان ناکام داستان به اتفاق سرباز زندان به منزل برادرش می‌رود، اما او را قبول نمی‌کند و مسافرت را بهانه می‌کند. به منزل دوستش می‌رود که او نیز به دلیل حضور خواهرش در خانه، دست رد به سینه او می‌زند و قهرمان داستان به ناچار همراه با سرباز به زندان برمی‌گردد. سرباز سوم را فرا می‌خوانند تا او را به یک مکان بسته‌ای که سرباز چهارم نگهبان آن است، ببرد. سرباز چهارم او را مورد بازرسی بدنی قرار می‌دهد و تمام داشته‌هایش را از او می‌گیرد و او را وارد فضایی می‌کند که افراد بسیاری در آن حضور دارند. فضای آلوده و پراز حشرات موذی زمینه آزار و اذیت او را فراهم می‌کند. در آنجا با تعدادی از زندانیان دوست می‌شود و یکی از آنها به او می‌گوید بیا اینجا پیش ما. یکی از آنها برایش پتویی پهن می‌کند و از او می‌خواهد تا بر روی آن بخوابد. او نیز می‌گوید جای من اینجا نیست. از او درباره علت بازداشت شدنش می‌پرسیدند. در ادامه خودش را با شکار پشه‌ها سرگرم می‌کند و دائما روی خود را از زندانیان می‌پوشاند.

شخصیت داستان فضای زندان را با سختی‌ها و تباهی‌های توصیف می‌کند و دوباره از زندان خارج می‌شود تا شاید مکانی را پیدا کند. به خانه خواهرش می‌رود و سرباز آدرس او را ثبت می‌کند؛ او هر شب باید رأس ساعتی خاص در این مکان حضورش را اعلام و در دفترچه ثبت کند. در مدتی که در کنار خواهرش است به همراه او به سینما می‌رود و بعد از کمی تفریح دوباره به خانه برمی‌گردد. یک روز صبح پس از خوردن صبحانه از خانه خواهرش خارج می‌شود به سمت ایستگاه مترو می‌رود. زمانی که از مترو پیاده می‌شود با مردی مواجه می‌شود که یک روزنامه آغشته به خون او را در بر گرفته. سپس سوار اتوبوس می‌شود به سمت منزل یکی از

آشنايان خود به نام منی می‌رود. وقتی به منزل منی می‌رسد، مادرش او را می‌بوسد و او نیز دستش را می‌بوسد. سپس با او در مورد زندگی و شوهرش صحبت می‌کند. منی نیز برای او از شرایط و اتفاقات زندگی می‌گوید و قصیده‌ای را که همسرش قبل از ازدواج برایش سروده می‌خواند. در این حین از پنجره منزل منی دختری را می‌بیند که دختر دیگری را در آغوش کشیده و در حال بوسیدن لب‌هایش است.

روزمرگی و نگاه منفی شخصیت اصلی به جهان بیرون، در ارتباط با همه خود را نشان می‌دهد. همچنین او به دنبال تعیین دقیق زمان و مکان مرگ مادر است، پرسشی که پاسخش برای او بسیار مهم هم نیست! در این بین از طریق دنیای درون و ذهن، به گذشته‌های دور و دراز سفر می‌کند. این روند تا پایان داستان ادامه دارد اما آنچه در این داستان روایت می‌کند، تباهی، شکست، یأس و اندوه است. تابلویی است که نقاش آن، تنها، رنگ مرگ را بر آن پاشیده، رنگی که گهگاهی در این داستان به تیرگی بیش از حد می‌رسد (نجفی حاجیور، ۱۴۰۰: ۸۷).

۴. پوچی یا نیهیلیسیم در دو رمان

در فلسفه، نیست‌انگاری را به معنای شک مطلق دانسته‌اند که با هر گونه تعریف از حقیقت در ستیز است و نیست‌انگار در نهایت بدبینی باور دارد که در دنیا هیچ حقیقی وجود ندارد و اگر باشد، قابل فهم و اثبات نیست؛ هرگونه ارزش انسانی را منکر می‌شود و ترقی و کمال بشر را مدیون از بین بردن تمدن دیرینه و مظاهر آن می‌داند (جوادی، ۱۳۴۸: ۲۲۹؛ داگوبرت^۱ و دیگران، ۱۳۵۶: ۹۹). این گونه بدبینی به هستی و مناسبات آن در طول تاریخ بشر وجود داشته است. حتی نیست‌انگاری به معنای انکار حقیقت و خالق مطلق نیز از مسائل مطرح تاریخ فلسفه است و پیشنهادی هزاران ساله دارد (موسوی و همایون، ۱۳۸۸: ۱۱۲).

در تفکر پوچی طرح پرسش‌هایی، اشکال گوناگون به خود می‌گیرد: معنای زندگی چیست؟ معنای زندگی من چیست؟ چرا ما را به اینجا آورده‌اند؟ برای چه زنده‌ایم؟ بر چه اساسی باید زندگی کنیم؟ اگر باید بمیریم، اگر هیچ‌چیز ماندنی نیست، پس چیزی هست که معنی داشته

1 _ Dagobert

3 _ Albert Camus

4_Ivan Turgenev

باشد؟ (یالوم، ۱۳۸۹: ۵۸۱). سندی که در بحث پوچی اغلب از آن نقل قول می‌شود مجموعه مقالاتی است تحت عنوان اسطوره سیزیف از آلبر کامو، کسی که هنوز در مقام نویسنده بیگانه و سیزیف، صاحب فلسفه پوچی و یک اگزستانسیالیست شهره آفاق است. پوچی از نظر کامو یعنی ناسازگاری بین نیاز ذهن به وحدت از یک سو و هرج و مرج جهانی که ذهن تجربه‌اش می‌کند از سوی دیگر. واکنش طبیعی در برابر آن یا خودکشی است یا، عکس آن، یک جهش ایمانی (هینچلیف، ۱۳۹۵: ۴۶-۴۵). در رمان «زهر الیمون و قصص آخری» و «تلك الرائحة» این مؤلفه نیز به چشم می‌خورد. در ادامه با ذکر نمونه‌هایی به بررسی و تحلیل این مؤلفه پرداخته خواهد شد:

۱_ وفي الليل تصل إلى القرية أصوات غامضة من البحر. وعندما يسقط على القرية الليل تتكور على نفسها وتخبئ ما في جوفها وتزداد رهبة المكان في الليالي التي تخلو فيها السماء من القمر (الديب، ۲۰۰۸: ۷). ترجمه: در شب صداهای مبهمی از دریا به روستا می‌رسد و زمانی که شب بر روستا خیمه می‌زند، آن را در هم می‌کشد و آنچه را که در آن وجود دارد، مخفی می‌کند. ترس و وحشت مکان در شب‌هایی که آسمان از ماه خالی است، بیشتر می‌شود.

۲_ أهل القرية هم فيهم كثير من الغرابة، أكثرهم طويل ونحيف، لون بشرتهم قاتم وأقدامهم كبير وخشنة، بعضهم يزرع الأرض البخيلة وبعضهم يصطاد سمك البحر، أرضهم لاتنتج الكثير وقوارهم لاترحل إلى البعيد. في نفوسهم ضائقة، وحدود خيالهم تقوم فوق جفونهم. عيونهم تخلق في الأشياء في بلادة وبله، يبتسمون دون أن تشرح صدورهم. فمنذ سنوات والحياة قد أصبحت عندهم بلا معنى.. لم يكن هناك داع لأن تستمر.. لاشيء في القرية يزدهر ولا شيء يبلغ قمته (الديب، ۲۰۰۸: ۸). ترجمه: در مردم روستا نیز غربت بسیاری وجود دارد. بیشتر آنها قد بلند و لاغر هستند و پوست‌شان تیره و سیاه و پاهایشان بزرگ و پینه بسته است. بعضی از آنها در زمین‌های بایر کار می‌کنند و برخی دیگر ماهیگیری می‌کنند. زمین‌هایشان حاصل‌چندانی ندارد و قایق‌هایشان به دور دست نمی‌روند. گرفته و اندوهگین‌اند و افق دید و تخیلی ندارند. چشم‌هایشان با سستی و حماقت در چیزها اوج می‌گیرند و به آنها می‌نگرند و بدون این که سینه‌شان گشاده شود،

می‌خندند. چند سالی است که زندگی در نزد آنها بی معنا شده است. آنجا انگیزه‌ای برای ادامه دادن وجود نداشت. هیچ چیز در روستا شکوفا نیست و هیچ چیز به اوج خود نرسیده است. همانگونه که در این دو مثال مشخص است اهالی روستا دچار پوچی و ناامیدی شده‌اند. نویسنده این موضوع را حتی از استفاده‌ی واژگان، عبارات و رنگ‌های در بردارنده معنای پوچی و ناامیدی نشان داده است. بهره‌گیری از واژگان و عباراتی نظیر «اللیل، الغرابة، قاتم، الأرض البخیلة، لاتنتج الكثير، قوارهم لاترحل إلى البعيد، في نفوسهم ضائقة، في بلادة وبله، یتسمون دون أن تشرح صدورهم، بلا معنی، لم یکن هناك داع و...» بیانگر پوچی و ناامیدی در نزد مردم روستا است. انتخاب واژگان، عبارات و رنگ‌ها در عرصه خلاقیت نویسنده نمی‌تواند بی اثر باشد و برگزیدن هر واژه و رنگ از طرف نویسنده بیانگر دیدگاه او نسبت به عالم و پدیده‌های آن است. «طبیعی است کیفیت تأثیر انسان از واژگان و رنگ‌ها ماهیتی کاملاً روانی دارد و به طور مستقیم بر هنجارهای او مؤثر است؛ به گونه‌ای که استفاده نامناسب از واژگان و رنگ، موجب بروز اغتشاشات روانی در انسان می‌شود. وجود فراوان رنگ‌های تیره مخصوصاً سیاه این پوچ‌گرایی آنها را بیشتر تأیید می‌کند» (کوشکی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۷۵).

۳- رأسي فارغ وفي ذهني تصميم على أن أفذ كل شيء بسرعة، أن أهي هذه الحياة وأخرج من هذا الجحيم (الديب ۲۰۰۸م: ۱۳۸). ترجمه: سرم تهی و پوچ است. تصمیم دارم همه چیز را به سرعت تمام کنم. می‌خواهم به این زندگی پایان بدهم تا از این جهنم آسوده شوم.

در بخشی از داستان «الحصان الأجوف»، خستگی ناشی از شرایط حاکم بر زندگی و رویدادهایی که برای شخصیت اصلی داستان در طول زندگی‌اش برای او رقم می‌خورد، منجر به این می‌شود تا در مقطعی از حیات خود، چندین بار احساس پوچی کند و زندگی را در مونولوگ‌های خود بی هدف بداند و به دنبال تمام کردن آن باشد. شخصیت اصلی داستان زمانی که با زینب در حیاط منزل حضور دارد، فتنه بر آنها وارد می‌شود و آنها را با هم می‌بیند. غبار غم و ناراحتی صورتش را فرا می‌گیرد و سراسیمه به داخل منزل می‌رود و باقی مانده شیرینی‌ای را که زینب به او داده بود، از پنجره به بیرون پرتاب می‌کند. شخصیت اصلی داستان به زینب می‌گوید الان باهم می‌رویم. به همراه زینب به سمت بیمارستان می‌روند در حالی که او نیز ناراحت و غمگین است. به او می‌گوید: نگران نباش همه چیز همان‌گونه که می‌خواهیم می‌شود. زینب می‌گوید من

خوانش هیچ انگاری و روش‌های مقابله با آن در رمان‌های «زهر الیمون و...» عباس گنجعلی^۲،...

نمی‌توانم این صحنه‌ها را تحمل کنم. با حالت عصبانیت از یکدیگر جدا می‌شوند و شخصیت محوری داستان به منزل باز می‌گردد و به سمت اتاق خود رفته و در را به روی خود می‌بندد و با خود می‌گوید می‌خواهم همه چیز را به سرعت تمام کنم، می‌خواهم به زندگی خود پایان بدهم و از این جهنم خلاص شوم. به نظر می‌رسد آدمی نیازمند معناست. زندگی بدون معنا، هدف، ارزش یا آرمان موجب رنج بسیار است. در نوع شدیدش به پایان دادن به زندگی می‌انجامد. زمانی که فرد در زندگی خود قادر به یافتن الگویی یکپارچه نیست، احساس آزرده‌گی، نارضایتی و پوچی می‌کند (بالوم، ۱۳۸۹: ۵۸۵ و ۶۳۹).

۴- هذه هي اللحظة التي كنت أحلم بها دائما طوال السنوات الماضية. فتشت في داخلي عن شعور غير عادي، فرح أو بهجة أو انفعال ما، فلم أجد. الناس تسير وتتكلم وتتحرك بشكل طبيعي كأنني كنت معهم دائما ولم يحدث شيء (ابراهيم، ۲۰۰۳: ۲۹). ترجمه: این همان لحظه‌ای بود که در طول سال‌های گذشته خوابش را می‌دیدم. در درون خود به دنبال احساسی عجیب و غریب گشتم، نه شعفی، نه خوش حالی‌ای و نه شور و هیجانی. هیچ احساسی نداشتم. مردم به طور کاملاً طبیعی در خیابان راه می‌روند، صحبت می‌کنند و در حرکت هستند. گویی که من همواره در کنارشان بوده‌ام و هیچ اتفاقی نیافتاده است.

داستان «تلك الرائحة» با مضمون تنهایی شخصیت محوری آن آغاز می‌شود. تنهایی‌ای که می‌تواند ناشی از پوچ‌گرایی و ناامیدی باشد. هنگامی که شخصیت داستان از زندان خارج می‌شود، در خود به دنبال یک احساس شرف و شادی می‌گردد اما چنین احساسی را در خود پیدا نمی‌کند. چنین شرایطی می‌تواند پیامدهای منفی و زیان بار روحی و روانی برای فرد به دنبال داشته باشد. می‌توان گفت شخصیت اصلی این داستان نیز بر اثر این پوچ‌گرایی و ناامیدی از مشکلاتی نظیر افسردگی، گوشه‌نشینی، آشفتگی ذهنی، استرس و اضطراب، بی‌قراری و ناراحتی رنج می‌برد که این امر در لابه‌لای این داستان و در شخصیت او نمایان است.

باید گفت علاوه بر دلایل سیاسی- اجتماعی جهان عرب، جهان شمولی نظریات روان‌شناسی- فلسفی که توسط افرادی چون شوپنهاور، نیچه، کامو، کافکا، سارتر و غیره مطرح شد، باعث شد تا نویسندگان عرب زبان، دست به خلق آثاری فلسفی و روانشناسانه بزنند که در آنها، دنیای درون و ذهن شخصیت‌های داستانی، بیش از عالم بیرون مورد اهمیت باشد (نجفی حاجیور، ۱۴۰۰: ۹۷). پوچ‌گرایی و ناامیدی شخصیت داستان نیز ناشی از این دیدگاه است. فرانکل می‌گوید: «شخص بدون معنا شبیه کوهنوردی است که وارد مه غلیظی می‌شود و بدون چشم اندازی در پیش رو در معرض خطر تسلیم در برابر فرسودگی شدید قرار می‌گیرد» (فرانکل، ۲۰۰۴م: ۱۱۷).

۵- لامس الهواء الجاف القادم من الجبل - عبر المقابر - العرق الذي يبيل وجهه ویدیه، أعاده إلى حالة لينة من اليأس المعتاد. تعود أن يحمل يأسه معه في سير طويل بلا اتجاه كأنه قاصد إلى قلب الغربة والفراغ (الديب، ۲۰۰۸م: ۱۹۴). ترجمه: هوای خشکی را که از سمت کوه و قبرستان می‌آمد، لمس کرد. عرقی که سر و صورتش را خیس کرده بوده او را به حالت ملایم و نرمی از ناامیدی همیشگی بازگردانده بود. عادت کرده بود که ناامیدی را در مسیر طولانی و بی هدف با خود حمل کند گویی که به قلب غربت و پوچی می‌رود.

عبدالخالق المسیری با سردرد شدید از منزل دوستش فتحی نورالدین خارج و روانه خیابان‌های اطراف می‌شود. از شلوغی خیابان‌ها و اشیای پیرامون خود کلافه می‌گردد و سپس وارد یک خیابان بزرگ می‌شود و آنجا کمی نفس راحت می‌کشد و از هیاهوی شهر فاصله می‌گیرد. پیوسته آن خیابان را می‌پیماید در حالی که نمی‌داند دقیقاً به کجا می‌رود. او در واگویه‌های خود می‌گوید آنچه تو را فرا گرفته عجیب و غریب است. تو پیر شدی و این حقت نیست که بخواهی از نو شروع کنی و در این سن برای به دست آوردن پول سفر کنی. این احساس ناخوشایند عبدالخالق باعث می‌شود تا یک حالتی از یأس و پوچی او را فرا بگیرد. از طرفی دیگر رفتن همسرش منی، بر یأس و پوچی و تنهایی او افزوده بود. این ناامیدی و پوچ‌گرایی عبدالخالق باعث شده بود تا در خیابان‌ها و اطراف خانه‌ی دوستان و آشنایان پرسه بزند. او روز را تا ظهر می‌خوابید و ظهر را در قهوه‌خانه سپری می‌کرد و شب به دنبال پناهگاه جدید می‌گشت. عبدالخالق تمایل نداشت تا به خانه‌ی خانواده خود نزدیک بشود. سر و صورتش ژولیده و نامرتب بود و سرگشتگی و سردرگمی او را فرا گرفته بود.

عوامل و دلایل زیادی در شکل‌گیری پوچی و یأس نقش دارند که از جمله آنها می‌توان به زمینه‌های فردی و شخصیتی، اجتماعی، فکری، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ادبی و غیره اشاره نمود. باید گفت عواملی نظیر: ۱. رفتن منی و شکست خوردن در زندگی مشترک ۲. ناامید شدن از احیای خواسته‌ها و آرزوها ۳. کم ظرفیتی، فقدان شرح صدر و نداشتن مهارت صبر در برابر مصائب و مشکلات در ایجاد ناامیدی پیوسته و پوچی در نزد عبدالخالق المسیری مؤثر بوده‌اند. ۶- وارتمیت علی مقعدی متعباً وأنا أحدق فی الورقة بنظرة فارغة (ابراهیم، ۲۰۰۳م: ۵۰). ترجمه: خسته و درمانده بر روی صندلی خود دراز کشیدم درحالی که با نگاهی پوچ و خالی به دفتر نگاه می‌کردم.

در این بخش از داستان «تلك الرائحة» نیز می‌توان پوچی و یأس را در شخصیت اصلی این داستان ملاحظه نمود. نگاه تهی و پوچ به دفتر بیانگر پوچی و ناامیدی است که در او تجلی یافته است. او پس از بازگشت از منزل حسنیه دوست خواهرش، دوباره با مأمور مواجه می‌شود و به او می‌گوید دیر کردی.. دخترش را به او می‌دهد تا امضا کند. پس از رفتن مأمور قلم به دست می‌گیرد تا هر آنچه را که می‌خواهد بر روی کاغذ بنویسد اما نمی‌تواند.. بلند می‌شود و به سمت پنجره می‌رود تا منظره دیروز را تماشا کند اما پنجره را بسته می‌بیند. دوباره قلم را به دست می‌گیرد اما یارای نوشتن ندارد و با نگاهی تهی و پوچ به کاغذ و دفتر خیره می‌شود. خیمه پوچی و ناامیدی بر این شخصیت او را در انجام کارها ناتوان کرده است. حبس کشیدن و دور بودن از دوستان و اطرافیان، پذیرفته نشدن از سوی آنها و تن دادن به بایدها، پوچی و ناامیدی را در شخصیت محوری این داستان رقم زده‌اند. طبق نظریه اسنایدر «ناامیدی حالت تکان دهنده‌ای است که با احساسی از ناممکن بودن امور، ناتوانی و بی‌علاقگی به زندگی و اطرافیان آشکار می‌شود» (اسنایدر، ۱۹۹۴م: ۱۱۵).

۴-۱. روش‌های عبور از پوچی و هیچ انگاری در دو رمان

برای عبور از تفکر پوچی روش‌هایی وجود دارد. پدیده‌های روانی نظیر خواستن، مسئولیت‌پذیری، معنا بخشیدن به زندگی (نوع دوستی، فداکاری، عشق و دوست داشتن، لذت‌گرایی، خودشکوفایی، از خود برگزشتن)، ارتباط با درمانگر و تعهد در زندگی، فرآیندهای کلیدی تحول درمانی در بحث انکار پوچی و رهایی از آن شمرده می‌شوند (یالوم ۱۳۸۹: ۶۶۹-۶۰۱).

۴-۱-۱. عبور از پوچی از طریق عشق و مسئولیت‌پذیری

۱_ في الحمام حاول أن يتماسك، ولكن عمودا من فراغ كان يدق من رأسه إلى قدميه، قال لها: لنخرج لنأكل شيئا في الطريق (الديب، ۲۰۰۸م: ۲۰۳). ترجمه: در حمام تلاش کرد خویشتن داری کند اما عمودی از پوچی از سر به پایش می‌کوبید. به او گفت برویم بیرون و در مسیر چیزی باهم بخوریم.

در این بخش از داستان «زهر اللمون» عبدالخالق المسیری از این که منی قصد رفتن می‌کند، دچار یک نوع پوچی می‌شود. او قصد دارد تا با معنا بخشیدن به زندگی خود از این بحران عبور کند. درخواست او از منی مبنی بر رفتن به بیرون و خوردن چیزی با یکدیگر نشان از عشق و علاقه او به منی و نیز مسئولیت‌پذیری دارد. در واقع او با استفاده از عشق و مسئولیت‌پذیری به عنوان یکی از ابزارهای معنا بخشی به زندگی به دنبال رهایی از این فراغ و پوچی است و می‌خواهد از این طریق به اهداف زندگی جامه عمل بپوشاند. همچنین با توجه به نمونه فوق به نظر می‌رسد عبدالخالق المسیری با پی بردن به ارزش‌های درونی خود و زندگی و تغذیه نمودن از آنها و نیز دنبال نمودن اشتیاق توانسته به زندگی خود معنا دهد و از پوچی‌ای که به او دست داده، فاصله بگیرد. علاوه بر این عبدالخالق با استفاده از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های شخصی برای خلق معنا، به سوی پختگی فردی، معنا بخشی به زندگی و ایجاد آرامش روحی و روانی گام بر می‌دارد که همگی این‌ها در رهایی از پوچی مفید است.

هدف زندگی به تمامی زیستن، به خاطر سپردن حس شگفتی در برابر معجزه زندگی، غوطه‌وری در آهنگ طبیعی زندگی و جست و جوی لذت به عمیق‌ترین شکل ممکن است. چارچوب داوری لذت‌گرایانه شگفت‌انگیز است؛ زیرا انعطاف زیادی دارد و می‌تواند هر یک از نظام‌های معنایی را در مرزهای سخاوتمند خود بگنجانند. فعالیت‌هایی نظیر، خلاقیت، عشق، نوع

خویش هیچ انگاری و روش‌های مقابله با آن در رمان‌های «زهر الیمون و...» عباس گنجعلی^۲،...

دوستی، فداکاری برای یک آرمان، همه و همه را می‌توان مهم دانست؛ زیرا در نهایت توانایی لذت‌آفرینی دارند (بالوم، ۱۳۸۹: ۶۰۶-۶۰۵). عشق و دوست داشتن شالوده شخصیت یک انسان است.

«عشق و دوست داشتن تنها راه برای رسیدن به درونی‌ترین هسته شخصیت یک فرد است. هیچ کس نمی‌تواند از جوهره وجود یک شخص دیگر با خبر شود، تا وقتی که او را دوست داشته باشد. شخص می‌تواند با عشق، ویژگی‌ها و خصوصیات اصلی معشوق خود را ببیند؛ و حتی بیشتر از آن، می‌تواند ببیند که کدام پتانسیل‌ها را دارد و کدام یک از ویژگی‌ها هنوز به مرحله عمل نرسیده‌اند و باید عملی شوند. با آگاه کردن او از این که می‌تواند چه کسی باشد و می‌تواند به چه کسی تبدیل شود، پتانسیل‌های او را به حالت بالفعل درمی‌آورد. در معنا درمانی، عشق به عنوان یک پدیده ثانویه و محض از غرایز و نیروهای جنسی در نظر گرفته نمی‌شود. عشق مانند رابطه جنسی یک پدیده ابتدایی است» (فرانکل، ۱۴۰۱: ۸۵).

۲_ و عندما فتحت الباب وجدت نجوى أمامي. احتضنتها وضممتني هي بعنف وألصقت جسمها بجسمي (ابراهیم، ۲۰۰۳م: ۳۷). ترجمه: وقتی در را باز کردم نجوا را در برابر خود یافتم. او را در آغوش کشیدم و هم مرا محکم بغل کرد و بدنش را به بدنم چسباند.

یکی از اصطلاحات موجود در ادبیات داستانی قهرمان مسئله‌دار است. «قهرمان مسئله‌دار به معنی شخصیتی است که زندگی و ارزش‌های او را در برابر مسائل حل‌نشده قرار می‌دهد که نمی‌تواند آگاهی روشن و دقیقی از آنها به دست آورد. به عبارتی دیگر قهرمان مسئله‌دار بی‌آینده، معترض و پر مشکل است که در جهانی تباہ، جویای ارزش‌های کیفی و اصیل انسانی است» (گلدمن، ۱۳۸۱: ۴۵-۴۴). شخصیت و قهرمان مسئله‌دار داستان «تلك الرائحة» که به دلیل اتفاقات ناگواری که در طول زندگی شخصی‌اش نظیر زندانی‌شدن و عدم برخورداری از حمایت دیگران به خصوص پس از خروج از زندان برایش رخ می‌دهد، دچار تباہی، پوچی و ناامیدی شده و به حاشیه جامعه کشیده می‌شود.

باید گفت ساختار جامعه مصر در آن زمان به گونه‌ای بوده است که حمایت از شخصیت داستان در شرایط سخت و بحرانی را با مشکل مواجه می‌کرده است. او با استفاده از پارادایم لذت‌گرایی مبتنی بر عشق‌ورزی و محبت فیزیکی به نجوی معشوقه خود تکنیک عبور از پوچی را نمایان می‌سازد. در واقع قهرمان داستان با درآغوش کشیدن نجوی تلاش می‌کند تا از باتلاق پوچی و احساسات منفی نجات پیدا کند و مسیر و سرنوشت نامطلوبی را که به آن مبتلا شده، تغییر دهد. آلبر کامو یکی از روش‌های عبور از پوچی را عشق می‌داند. او در یکی از یادداشت‌های خود می‌نویسند: پستی و بزرگی این دنیا در آن است که غیر از مقصودهایی برای عشق‌ورزیدن، هیچ حقیقتی به دست نمی‌دهد. پوچی پادشاه است، اما عشق ما را از آن می‌رهاند. عشق ما را از پوچی رهایی می‌بخشد (حدود- پوچی - در- اندیشه- آلبر- کامو- / <https://tarjomaan.com/>).

۳- غادرت البيت لم يبق إلا أن أرحل من هنا.. ولكن شيئاً ما يشلني عن الحركة يجعلني أوجل التصرف، ربما لكي أرى أكثر... أو أعذب نفسي أكثر. يومان لم أر زينب (الديب، ۲۰۰۸م: ۱۳۸): ترجمه: خانه را ترک کردم چاره‌ای جز رفتن برایم باقی نمانده بود. اما یک چیز مرا از حرکت باز می‌داشت و باعث می‌شد تا تصمیم به رفتن را به تأخیر بیندازم... شاید بخاطر این بود که بیشتر فکر کنم... یا این که بیشتر خودم را شکنجه کنم. دو روز است که زينب را ندیده‌ام.

شخصیت اصلی داستان «الحصان الأجوف» نیز به عنوان قهرمان مسئله‌دار به پایان خط رسیده و از پوچی و تنهایی رنج می‌برد. او برای رهایی از این شرایط به زينب و عشق به او متوسل می‌شود. عدم توانایی فتینه در فرزندآوری و مشاجره مداوم با قهرمان داستان به دلیل شرایط شغلی‌اش و عدم توجه به او بستر پوچی و احساس تنهایی شخصیت مذکور را فراهم می‌کند. قهرمان داستان پس از این که خود را گرفتار التهاب بی‌معنایی و پوچی و به دنبال آن پایان دادن به زندگی می‌بیند، تصمیم می‌گیرد خانه را ترک کند اما عشق به زينب او را به سمت معنادگی به زندگی و رهایی از این پوچی هدایت می‌کند. در واقع باید گفت شخصیت اصلی داستان راه حل پوچی و تصمیم خود مبنی بر تمام کردن زندگی را که ناشی از تفکر هیچ‌انگاری است، در اندیشیدن به زينب و عشق و علاقه به او می‌بیند.

۴-۱-۲. عبور از پوچی از طریق حس تعهد به زندگی

خویش هیچ انگاری و روش‌های مقابله با آن در رمان‌های «زهر الیمون و...» عباس گنجعلی^۲،...

۱- حاولت أن أطرده... أن أعيش وحيدا بلاصحة. أنا لأأريد أن أغرق في مستنقع خاص. في لحظات أحسست أنني كامل... أنني أستطيع أن أبنى لنفسى حياة... هذا هو الحصاد... هل تراه؟؟ (الديب، ۲۰۰۸م: ۱۲۸). ترجمه: سعی کردم تو را از خودم دور و تک و تنها زندگی کنم. من نمی‌خواهم در یک باتلاق خاص غرق شوم. در لحظاتی احساس کردم که من کاملم... که من می‌توانم برای خودم زندگی بسازم... این همان دستاورد است... آیا آن را می‌بینی؟.

مثال فوق تکنیک عبور از پوچی از طریق حس تعهد به زندگی و مسئولیت‌پذیری را نشان می‌دهد. بعد از این که شخصیت اول داستان «الحصان الأجوف» زنی به نام زینب را در بیمارستان می‌بیند، شیفته او می‌شود و از آنجایی که فتنه همسر اوست، در اثر علاقه‌ها و اتفاقاتی که پیرامون او شکل می‌گیرد، دچار یک نوع پوچی می‌شود. همسرش فتنه و زینب دو راه حل انکار پوچی را برای او رقم می‌زنند. زمانی که شخصیت داستان بر اثر تفکر پوچی، قصد جدا شدن از فتنه را می‌کند، در لحظه‌ای به خودش می‌آید و عزم و اراده خود را به کار می‌گیرد و حس تعهد به زندگی در او نمایان شده و می‌گوید من می‌خواهم برای خودم زندگی بسازم. همان طور که یالوم می‌گوید یکی از روش‌های انکار پوچی، خواستن است.

۴-۱-۳. عبور از پوچی از طریق فداکاری و خواستن

۱- زینب هذه المرأة التي خرجت لي من الفراغ... كم أنا مستعد الآن أن أغير حياتي من أجلها... أن أبدأ كل شيء من جديد (همان). ترجمه: زینب همان زنی که نمی‌دانم ناگهان از کجا برای من پیدا شد... چقدر من الآن آماده‌ام تا زندگی‌ام را بخاطر او تغییر دهم و همه چیز را دوباره شروع کنم.

در این مثال نیز می‌توان یکی دیگر از روش‌های عبور پوچی را مشاهده نمود. وجود زینب باعث شد تا شخصیت اول داستان «الحصان الأجوف» تصمیم بگیرد بخاطر او زندگی خودش را تغییر بدهد و از نو آن را آغاز کند. دوگانگی فداکاری و خواستن، عامل رهایی شخصیت مزبور

از بحران پوچی است. پرداختن به یک آرمان، مضمونی نافذ است. آرمان‌های گوناگونی وجود دارد که انسان بخاطرش فداکاری می‌کند: خانواده، دولت، یک آرمان سیاسی یا دینی، کیش‌های دین‌گریز مثل کمونیسم، فاشیسم، یک کار خطیر عملی و... (یالوم، ۱۳۸۹: ۶۰۲).

نتیجه‌گیری

– با بررسی دو رمان انتخابی مشخص گردید پوچ‌گرایی در اجزای آن نمود یافته است. پوچ‌گرایی در این دو رمان در قالب عناصری نظیر سرگشتگی و حیرانی، شکست در زندگی فردی و مشترک، بازگشت به گذشته، مرگ عزیزان و اطرافیان و... بیانگر پوچی در دو رمان است.

– می‌توان گفت هر دو نویسنده با اطلاع از این مؤلفه و تأثیرپذیری از فعالان و نویسندگان حوزه فلسفه و روان‌شناسی نظیر کامو و سارتر، هیچ‌انگاری را در مفهوم و درون‌مایه دو رمان متبلور ساخته‌اند. اما از حیث میزان موفقیت باید گفت دیدگاه علاء‌الدیب در نمایان ساختن پوچی و روش‌های مقابله با آن به نظریه روان‌پویه درمانی یالوم نزدیک‌تر و جامع‌تر بوده است؛ چرا این مؤلفه و روش‌های درمان آن در رمان او بیشتر به چشم می‌خورد که این امر می‌تواند ناشی از آگاهی نویسنده از رویکرد روان‌درمانی وجودی باشد.

– پوچ‌گرایی در شیوه روایت و نوع استفاده از واژگان و رنگ‌ها نیز تجلی یافته است و نویسندگان با استفاده از واژگان و رنگ‌هایی که نشان‌دهنده معنای پوچی، ناامیدی و تباهی است این مؤلفه را در داستان‌های خود نشان داده‌اند و از این طریق زمینه را برای درک و فهم درون‌مایه و محتوای اصلی موجود در دو رمان به ویژه شخصیت‌های آن را فرا روی مخاطب فراهم آورده‌اند.

– همچنین باید گفت از میان روش‌های تعیین شده برای عبور از بحران پوچی، شگردهایی نظیر خواستن، مسئولیت‌پذیری، فداکاری و عشق و دوست‌داشتن در دو رمان یافت شد. بنابراین دست‌یابی به راهکارهای درمان پوچی در فضایی به غیر از فضا و محیط درمانی و در بستر یک منبع ادبی – روانشناسی می‌تواند راهگشا، مفید و جذاب باشد.

منابع

کتاب‌ها

- ابراهیم، صنع الله، (۲۰۰۳م)، «تلك الرائحة»، الطبعة الثالثة، قاهره: دار الهدی.
- جوادی، ذبیح الله (۱۳۴۸)، «الغباى فلسفة جدید»، تهران: ابن سینا.

خوانش هیچ انگاری و روش‌های مقابله با آن در رمان‌های «زهر الیمون و...» عباس گنجعلی^۲، ...

- داگوبرت، د- رونس و دیگران (۱۳۵۶)، «فرهنگ مکتب‌های فلسفی»، ترجمه احمد اردوبادی، چ ۲، شیراز: معرفت.

- الدیب، حب الله، (۲۰۰۸م)، «زهر الیمون و قصص آخری»، قاهره: دار الشروق.

- سکوت، حمدی (۱۳۹۶)، «رمان عربی (درآمدی تحلیلی - انتقادی)»، ترجمه عظیم طهماسبی، تهران: انتشارات نیلوفر.

- فرانکل، ویکتور (۱۴۰۱)، «انسان در جست و جوی معنا»، ترجمه شبنم سلطان پور، تهران: انتشارات آزر میدخت.

- کامو، آلبر (۱۳۴۹) «فلسفه پوچی»، ترجمه دکتر محمد تقی غیائی، چاپ دوم، تهران: پیام.

- گلدمن، لوسین (۱۳۸۱)، «پیوند آفرینش ادبی با زندگی اجتماعی. جامعه، فرهنگ و ادبیات: لوسین گلدمن»، ترجمه محمد جعفر پوینده، تهران: چشمه.

- هینچلیف، آرنولد (۱۳۹۵)، «پوچی»، ترجمه حسن افشار، چاپ دوم، تهران: نشر مرکز

- یالوم، اروین یالوم (۱۳۸۹)، «روان درمانی اگزستانسیال»، ترجمه سپیده حبیب، تهران: نشر نی.

مقالات

- کوشکی، زهرا، خسروی شکیب، محمد، روزبه، محمدرضا و مرادخانی، صفیه (۱۳۹۹)، «بررسی تطبیقی پوچ گرایی در آثار ساموئل بکت و صادق هدایت با تأکید بر رمان‌های مالون می‌میرد و بوف کور»، مجله زبان و ادب فارسی، س ۷۳، ش ۲۴۱، صص ۱۸۷-۱۶۳.

- موسوی، سید کاظم و همایون، فاطمه (۱۳۸۸)، «پوچ انگاری منفعل در بوف کور»، فصلنامه نقد ادبی، س ۲، ش ۷، صص ۱۳۹-۱۱۱.

- نجفی حاجیور، مهران (۱۴۰۰)، «بررسی و تحلیل مؤلفه‌های رمانتیسیم سیاه در داستان «تلك الرائحة»»، مجله نقد ادب معاصر عربی، س ۱۱، ش ۲۱، صص ۱۰۷-۸۱.

منابع انگلیسی

- Snyder. C.R.(1994), **The Psychological of HOPE: You can get there from here**. New York: Free press.
- Frankl, V.(2004) **Man's search for meaning**. Reading, Rider.

منابع الكترونيكي

- مجتبی هاتف «حدود- پوچی- در- اندیشه- آلبر- کامو»- <https://tarjomaan.com/>

منابع لاتین

Sources and references

Books

- Al-Dib's, Hobollah, (2008), "**Zahr al-Laymun and other stories**", Cairo: Dar al-Sharooq.
- Camus, Albert (1970) "**Philosophy of the Absurd**", translated by Dr. Mohammad Taghi Ghiashi, second edition, Tehran: Payam.
- Dagobert, D-Rones and others (1976), "**Culture of Philosophical Schools**", translated by Ahmad Ordubadi, Ch. 2, Shiraz: Marafat.
- Frankel, Victor (2021), "**Man in Search of Meaning**", translated by Shabnam Sultanpour, Tehran: Azer Midakht Publications.
- Goldman, Lucien (2008), "**The link between literary creation and social life. Society, Culture and Literature: Lucien Goldman**", translated by Mohammad Jafar Poindeh, Tehran: Cheshme.
- Hinchliffe, Arnold (2015), "**Absurdity**", translated by Hasan Afshar, second edition, Tehran: Eshar Makrez.
- Ibrahim, Son Allah, (2003), "**Talk al-Raeha**", third edition, Cairo: Dar Al-Hadi.
- Javadi, Zabihullah (1969), "**The Alphabet of New Philosophy**", Tehran: Ibn Sina.
- Sekut, Hamdi (2016), "**Arabic Novel (Analytical-Critical Edition)**", translated by Azim _Tahmasabi, Tehran: Nilofar Publications.
- Yalom, Irvin Yalom (2010), "**Existential Psychotherapy**", translated by Sepideh Habib, Tehran: Ney Publishing.
- **Articles**
- Koshki, Zahra, Khosravi Shakib, Mohammad, Rozbeh, Mohammadreza and Muradkhani, Safiya (2019), "**Comparative study of nihilism in the works of Samuel Beckett and Sadiq Hedayat with an emphasis on the novels Malon May Mird and Boof Kor**", Persian Language and Literature Magazine, Q. 73, No. 241, pp. 187-163.
- Mousavi, Seyyed Kazem and Homayun, Fatemeh (2008), "**Passive absurdity in the blind owl**", Literary Criticism Quarterly, Q2, No7, pp. 111-139.
- Najafi Hajior, Mehran (2021), "**Research and analysis of the components of black romanticism in the story "Talk al-Ahma"**", Contemporary Arabic Literature Review, Q11, No.21, pp. 107-81.

قراءة العبثية وأساليب التعامل معها في روايتي "زهر الليمون وقصص أخرى"
و"تلك الرائحة" على ضوء منهج العلاج النفسي الوجودي لإرفين يالوم
نوع المقالة: أصيلة

مسعود سلماني حقيقي^١، عباس گنجعلي^{٢*}، سيد مهدي نوري كيدقاني^٣

١. طالب دكتوراه في فرع اللغة العربية وآدابها، جامعة حكيم سبزوري، إيران، سبزوار

٢. أستاذ مشارك في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة حكيم سبزوري، إيران، سبزوار

٣. أستاذ مشارك في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة حكيم سبزوري، إيران، سبزوار

تاريخ قبول البحث: ١٤٠٣/٠٤/٠٢

تاريخ استلام البحث: ١٤٠٢/١٠/١٦

الملخص

العبثية كإحدى القضايا الفلسفية والنفسية تقوم على نفي وتحويل كل القيم والمعاني. غالبًا ما يشعر الأشخاص الذين يعانون من العبثية والفراغ والبأس بالوحدة ويرون أن حياتهم قد انتهت. ومصطلح العبثية في مجال علم النفس والتحليل النفسي تم اقتراحها من قبل إرفين يالوم كواحد من الاضطرابات الأربعة النهائية. وبالإضافة إلى تعريف العبثية وتفسيرها، فكر يالوم في حلول لها، والتي يمكن أن تعتمد على الرغبة والمسؤولية ومذهب المتعة والحب والتضحية والإيثار والالتزام وتحقيق الذات والتواصل مع المعالج. وفي هذا المقال، تمت دراسة عنصر العبثية وطرق الدفاع عنها في الروايتين "زهر الليمون وقصص أخرى" لعلاء الديب و"تلك الرائحة" لصنع الله إبراهيم. وتظهر نتائج البحث أنه يمكن القول بأن كلا المؤلفين، بمعرفتهما بهذا المكون وتأثرهما بالناشطين والكتاب في مجال الفلسفة وعلم النفس مثل كامو وسارتر، قد بلورا العبثية في مفهوم ومضمون الروايتين. ولكن من ناحية نسبة النجاح، ينبغي القول إن وجهة نظر علاء الديب كانت أقرب وأشمل لنظرية يالوم في العلاج النفسي الوجودي في إظهار العبثية وطرق التعامل معها؛ ولعل سبب ظهور هذا العنصر وطرق علاجه بشكل أكبر في روايته، يمكن أن يعود ذلك إلى وعي المؤلف بمنهج العلاج النفسي الوجودي.

الكلمات الرئيسية: العلاج النفسي الوجودي، العبثية، زهر الليمون وقصص أخرى، تلك الرائحة، يالوم.